

گفت‌وگو با آتش‌نشانانی که در روزهای جنگ شاهد صحنه‌های هولناکی بوده‌اند

سربازان خط مقدم امداد

آتش‌نشانان می‌گویند حمایت‌روانی چندان‌ی برای آن‌ها وجود ندارد

الهه محمدی

خبرنگار گروه جامعه

مردم و جنگ

حدود ۱۰ پیکر، بی‌نام و بی‌چهره، تکه‌پاره زیر تلسی از خاک، آهن و سنگ درهم‌آمیخته بودند؛ مجتبی، آتش‌نشان ۳۸ ساله، خودش این‌ها را به چشم دیده بود؛ دیده بود که دیگر چیزی از آن‌ها باقی نمانده، جز سه نوجوان که هنوز می‌شد شناسایی‌شان کرد. آن شب در میدان پنجم نارمک، موشک‌های اسرائیل جان آدم‌های آن ساختمان را گرفت و تنها تکه‌هایی از آن‌ها را به جا گذاشت. مجتبی آن شب پدر و مادرهایی را دیده بود که موقع انفجار در خانه نبودند و حالا آمده بودند تا فرزندهایشان را از زیر آوار مرگ پس بگیرند. مجتبی، در طول گفت‌وگو با «هم‌میهن»، چندبار صدایش لرزید، سکوت کرد، به گریه افتاد، نفس عمیقی کشید و دوباره حرف‌هایش را از سر گرفت. مجتبی با بیش از ۱۰ سال سابقه در آتش‌نشانی، این روزها خود را فقط امدادگر نمی‌داند. می‌گوید شبیه‌سربازی شده در خط مقدم یک جنگ بی‌رحم؛ جنگی که آوار و انفجارش دیده می‌شود اما صدایش کمتر شنیده می‌شود. آتش‌نشان‌ها از اولین لحظاتی که صدای جنگ در تهران پیچید، در میدان بوده‌اند؛ همان پنج هزار نفری که به گفته قدرت‌الله محمدی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران، از بامداد ۲۳ خردادماه در آماده‌باش کامل‌اند. محمدی به «هم‌میهن» می‌گوید، ایستگاه‌های آتش‌نشانی شب و روز ندارند، شیفت‌های استراحت نیروهای آتش‌نشانی کپشده‌وتقریباًتمام ایستگاه‌ها درگیر عملیات‌اند. خودش هم از اولین نفراتی است که به‌صحنه انفجارها می‌رسد؛ صحنه‌هایی که به‌قول او، دل آتش‌نشان‌ها را می‌لرزاند. حالا نیروهایی از دیگر شهرها هم آمده‌اند تا کنار همکاران تهرانی‌شان بایستند. بی‌نام، بی‌ادعا، بی‌چشم‌داشت؛ حتی خیلی‌شان از جمله‌زان آتش‌نشانی که از همان شروع جنگ در عملیات‌ها به کار گرفته‌شدند، مشتاق مصاحبه با «هم‌میهن» بودند اما هنوز اجازه مصاحبه‌نداردند و حالا مانده‌اند با یک لباس و ماشین‌های آتش‌نشانی و قلبی که هنوز برای نجات می‌تپد.

▼ تلی از خاک، آهن و سنگ

مجتبی چندروز پیش، پس از پایان شیفت‌اش در مشکین‌دشت، داوطلبانه به تهران آمد تا به همکارانش کمک کند. او به «هم‌میهن» از صحنه‌هایی می‌گوید که حتی پس از یک‌دهه حضور در عملیات‌های سخت، او را به لرزه انداخته‌اند. در شرایط جنگ، تهران خط‌مقدم سازمان آتش‌نشانی است؛ همکاران مجتبی شبانه‌روز با انواع استرس مشغول به‌کارند و جان‌شان کف دست‌شان است. چندروز پیش وقتی که شیفت مجتبی در مشکین‌دشت تمام‌شد برای کمک کردن به تهران رفت و از نزدیک دید که نیروهای آتش‌نشان در تهران چه استرس و فشار کاری‌ای را تحمل می‌کنند. «حوادث و اتفاقاتی که از یک‌هفته پیش در تهران در حال وقوع است، با هیچ جای دیگری در ایران قابل مقایسه نیست. گرچه کل کشور الان درگیر جنگ است اما خط‌مقدم آتش‌نشانی الان در تهران است.»

او یکی از روزهای سنگین عملیات را به یاد می‌آورد؛ حمله به نارمک: «دلم آرام نمی‌شد، به تهران رفتم تا شاید بتوانم کاری کنم. به میدان پنجم نارمک رفتم و آن روز شاهد حجم وسیعی از آوار بودم؛ بچه‌ها در حال آواربرداری بودند. آن ساختمان مثل زمین زلزله‌خیز شده که در میان دو ساختمان بلند، ج‌ا‌خ‌وش کرده باشد. انگار از اول ساختمانی در آن جا نبوده و هیچ‌کسی آن‌جا مشغول زندگی نبوده؛ پیکر آدم‌هایی که در آن ساختمان زندگی می‌کردند، تکه‌پاره زیر تلی از خاک، آهن و سنگ افتاده بودند. بازماندگان این آدم‌ها خودشان را به آنجا رسانده بودند؛ نگاه‌شان می‌کردم و می‌دیدم که عده‌ای شبون می‌کردند و عده‌ای بهت‌زده و خشک‌شده به این تل آوار نگاه می‌کردند و هیچ نمی‌گفتند.» مجتبی با بغضی در گلو از مادرانی می‌گوید که فریاد می‌زدند فرزندان‌شان زیر آوار مانده‌اند: «تنها سه پیکر قابل شناسایی، متعلق به نوجوانان همان ساختمان بود. از دیگران، تنها تکه‌هایی از بدن باقی مانده بود. یک‌سری از اجساد قابل شناسایی نبودند. بچه‌های آتش‌نشان و نیروهای امدادی هر کدام یک‌تکه از پیکرهای افراد زیر آوار مانده را برمی‌داشتند تا برای شناسایی تحویل مراجع مرتبط بدهند. یکی پدرش را و دیگری مادرش را از دست داده بود.»

این صحنه‌ها امجبتی قبلاً در فیلم‌ها دیده بود، با اینکه ۱۰ سال است که آتش‌نشان است. آن روز موج انفجار دیوارهای خانه‌های اطراف را هم ریخته بود و ماشین‌ها آسیب دیده بودند. مجتبی با دیدن این صحنه‌ها با گشت و استخوان‌درک کرد که جنگ یعنی چه. «باید از نزدیک می‌دیدید، تا از نزدیک نبینید نمی‌فهمید که چه فاجعه‌ای در حال رخ‌دادن است. آواربرداری و رسیدن به پیکرهای مانده در زیر آوار از سخت‌ترین کارهاست.» او از حادثه‌ای دیگر در شهرک چمران هم می‌گوید؛ جایی که خواهرزاده، یکی از همکارانش زیر آوار مانده بود و تیم امداد برای نجات پیکرش تلاش می‌کرد: «دوستان آتش‌نشانم برایم از فاجعه‌ای که در شهرک چمران اتفاق افتاده بود، گفتند. دوستانم می‌گفتند در انفجارهای این شهرک، خواهرزاده یکی از آتش‌نشان‌ها که به همان جابری عملیات فرستاده شده بود، زیر آوار مانده بود. حالش خیلی بد بود و همکارا تلاش می‌کردند که پیکرش را از زیر آوار آورند.»

با تمام خستگی جسمی و روانی، مجتبی و همکارانش هنوز

قدرت‌الله محمدی،

مدیرعامل سازمان

آتش‌نشانی تهران؛

همه پنج هزار نفر

آتش‌نشان شهر تهران

در سه شیفت کاری

مشغول کارند و در

یک‌هفته گذشته به کار

گرفته شده‌اند. آنها

برای اطفای حریق

و جست‌وجو برای

نجات انسان‌های

درگیر در آتش‌سوزی

بلافاصله بعد از هر

انفجار در محل حادثه

حاضر شده و بر

طبق نوع حادثه مثل

تخریب یا آتش‌سوزی

خدمات‌رسانی

کرده‌اند



در شهر تهران در عملیات بوده‌اند: «همه پنج هزار نفر آتش‌نشان شهر تهران در سه‌شیفت کاری مشغول کارند و در یک‌هفته گذشته به کار گرفته شده‌اند. آنها برای اطفای حریق و جست‌وجو برای نجات انسان‌های درگیر در آتش‌سوزی بلافاصله بعد از هر انفجار در محل حادثه حاضر شده و بر طبق نوع حادثه مثل تخریب یا آتش‌سوزی خدمات‌رسانی کرده‌اند.» محمدی می‌گوید تا الان نیروها کافی بوده‌اند، مگر اینکه سطح حملات بیشتر شود و نیاز به کمک‌های بیشتر شود: «شیفت‌های نیروهای آتش‌نشانی به‌صورت کلی ۴۸ ساعت کار شیفت، ۲۴ ساعت استراحت است اما در حال حاضر مجبور شده‌ایم شیفت‌های استراحت را کمتر کنیم که تعداد نیروهایمان بیشتر باشد. ما در آماده‌باش ۱۰۰ درصدی هستیم و شبانه‌روز همه مدیران، فرماندهان و روسای نهادهای مختلف حتی به منزل نمی‌روند تا خدمات‌رسانی کنند.» او در طول یک‌هفته گذشته اولین نفری بوده که در تمام حوادث انفجار حاضر شده است و حتی یک‌بار که سر صحنه حادثه بوده، دوباره همان نزدیکی‌ها بمب‌انداخته‌اند. به گفته محمدی، نیروهای آتش‌نشانی با روحیه بسیار خوب در حال خدمت‌رسانی‌اند: «حتی آتش‌نشان‌های بازنشسته‌ما در خواست کرده‌اند تا داوطلبانه به بقیه نیروها کمک کنند. ما چند شهر را به‌صورت استندبای گذاشته‌ایم تا اگر وضعیت وخیم‌تر شده به تهران کمک کنند، به شهرهای دیگر هم که زیاد درگیر انفجار نیستند اعلام آماده‌باش داده‌ایم که اگر در تهران نیاز بود، وارد کار شوند.»

محمدشعری، مدیرکل روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی اصفهان هم به «هم‌میهن» می‌گوید، بایدفند در اصفهان خوب عمل کرده و حریق زیادی به آنها اعلام نشده است: «برای پایگاه هشتم شکاری هم به‌ما اعلام عملیات نشد و ما اعزام نشدیم. در شاهین‌شهر یا شهرضا یا در جاده نجف‌آباد، ماشین‌ها را زدن که یک خانواده داخل‌اش بودند و از بین رفتند. آنجا هم من پرس‌وجو کردم، آتش‌نشان‌ها اعزام نشده بودند.» او به مردم توصیه می‌کند از تجمع و ترافیک در مسیرهای امدادرسانی پرهیز کنند: «چون ماشین‌های آتش‌نشانی بزرگ است سخت‌تر است رفت‌وآمد. من در عملیات حوادث، ثانیه‌ها مهم است. بارها شاهد حوادثی مثل حوادث جرحی بوده، اما چون مردم جمع شدند که فیلم و عکس بگیرند، منجر به فوت شده است.» به گفته او، در استان اصفهان نیروهای داوطلب زن وجود دارند اما آتش‌نشان فعال زن در بخش عملیاتی نه. قنبری، مدیرعامل سابق سازمان آتش‌نشانی اهواز هم از مردم می‌خواهد که در کنار آتش‌نشان‌ها باشند، در شرایط بحرانی آرامش‌شان را حفظ کنند و در مواقع حادثه، از حرام‌کنند تا مانع خدمات‌رسانی نیروهای امدادی نشوند.

▼ آتش‌نشان‌ها هم انسانند

آتش‌نشانان با انبوهی از عوامل استرس‌زای روانی، از جمله قرار گرفتن در معرض موقعیت‌های تهدیدکننده زندگی، رویدادهای آسیب‌زا و... مواجهند. مطالعات مختلف در سطح جهان نشان داده که عوامل استرس‌زای روانی-اجتماعی در زندگی کاری آتش‌نشان‌ها خطر ابتلا به اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) را برای آنها افزایش می‌دهد. به همین خاطر است که در کشورهای زیادی کلاس‌ها و کارگاه‌هایی برای کمک‌روانشناختی به این نیروها در نظر گرفته می‌شود.

قدرت‌الله محمدی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی می‌گوید، در تهران هم هر سال دوره‌های روانشناختی و غربالگری برای آتش‌نشانان برگزار می‌شود: «در حال حاضر جنگ شده و صحنه‌های انفجار هم تأثیر بر انگیزند. آسیب‌دیدن غیرنظامیان بسیار ناراحت‌کننده است و به نیروهای آتش‌نشان هم آسیب روانی زیادی وارد می‌شود اما امیدوارم بتوانیم همه‌ما این موضوع را هم پشت‌سر بگذاریم.»

محمدرضا، آتش‌نشان اhamای کوید تا به حال به‌صورت مستقیم کلاس و کارگاهی در این جهت برای آنها برگزار نشده: «قواعد کارها از طرف مسئول ایستگاه به ما گفته می‌شود. از آنجا که ما آماده باشیم این روزها فرصت برای برگزاری کلاس‌های خاص نیست. کسی که بخواهد کلاس هم برگزار کند، باید توی شیفت‌های ما بیاید که نمی‌شود. خیلی هم ضرورت دارد این مسئله، اما برگزار نمی‌شود.» محمدشعری، مدیرکل روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی اصفهان هم می‌گوید در تهران گاهی این کارگاه‌ها برگزار می‌شود: «آتش‌نشان‌ها همیشه با صحنه‌های بدی مثل دود، گریه و صحنه‌رو به‌رومی شوند، آنها هم انسانند. سعی می‌کنند احساسات‌شان دخیل نباشد، امروز روحیه‌شان تأثیر دارد. ما متخصصان روان‌را در سازمان داریم که برای کمک به جلوگیری از استرس و حوادث ناشی از دیدن صحنه‌های نامناسب کار می‌کنند؛ هم برای خودشان، هم خانواده‌هایشان.» مجتبی، آتش‌نشان اما معتقد است چیزی که باید جدی گرفته شود، حمایت‌های روانی و توجه به فشارهای عاطفی وارد شده بر نیروهای آتش‌نشانی است. به گفته او کارگاه‌ها و جروه‌های حمایت از روان که برای آتش‌نشان‌ها می‌گذارند، در این وضعیت جواب نمی‌دهد: «اینکه به یک آتش‌نشان بگویي نفس عمیق بکش و مدیتیشن کن، نمی‌تواند پاسخگوی این حجم از فاجعه‌ای باشد که آتش‌نشان‌ها هر روز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. کلاً مسئله آتش‌نشانی در ایران چندان جدی گرفته نمی‌شود.»

وقتی از نزدیک می‌بینی که دختر بچه‌ای زیر آوار کشته شده و پدر و مادرش بر سر و سینه می‌کوبند، چه تکنیک روانشناسی‌ای می‌تواند به آتش‌نشان‌ها کمک کند؟ این سوالی که مجتبی هنوز پاسخی برایش پیدا نکرده است.

خبرسازان



۱۸ تا ۶۵ سال؛ سن اهدای خون

مدیرکل انتقال خون استان تهران ضمن اشاره به وضعیت مطلوب ذخایر خونی در استان و تأمین نیاز مراکز درمانی، در عین حال شرایط اهدای خون در زنان و مردان را توضیح داد. به گزارش ایسنا، منتظر شبر درباره میزان ذخایر خونی در تهران گفت: «در حال حاضر، وضعیت ذخایر خونی مطلوب است و مشکلی برای تأمین خون مورد نیاز مراکز درمانی وجود ندارد. اداره کل انتقال خون استان تهران، پاسخگوی نیاز مراکز درمانی است.» او درباره چگونگی اهدای خون توضیح داد: «افرادی که ۱۸ سال تمام دارند تا ۶۵ سالگی می‌توانند نسبت به اهدای خون اقدام کنند. تعریف بازه سنی برای اهدای خون در راستای حفظ سلامت افراد است. مردان و زنان به ترتیب ۴ و ۳ بار در سال می‌توانند نسبت به اهدای خون اقدام کنند. تمام فرآیند اهدای خون حدود ۲۰ دقیقه است اما این بازه زمانی در ایام خاص سال به دلیل افزایش مراجعه برای اهدای خون افزایش می‌یابد.»



توصیه‌هایی به مددکاران اجتماعی

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران به ارائه توصیه‌هایی به مددکاران اجتماعی شاغل در مراکز ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی در شرایط بحرانی و جنگ پرداخت. به گزارش ایسنا، حسن موسوی‌چلک در این باره خطاب به مددکاران اجتماعی گفت: «بانک منابع اجتماعی مرتبط با حیطه کاری خود اعم از بهزیستی، شهرداری، نهادهای قضایی و... را به‌روزرسانی کنید و هماهنگی‌های لازم برای شرایط اضطراری را با آن‌ها انجام دهید، در صورتی که ضرورتی برای اقامت مددجو در مرکز وجود ندارد، با هماهنگی مدیریت مرکز و اخذ دستور مقام قضایی مددجویان را به خانواده یا اقوام نزدیک آن‌ها بفرستید. در صورتی که نیاز به جابه‌جایی افراد از یک مرکز به مرکز دیگر یا استان دیگر است، ملاحظات اداری را مدنظر داشته باشید و چنانچه نیاز به اخذ مجوز یا دستور قضایی است، هماهنگی لازم را به عمل آورید. انسجام اجتماعی سازمان خود را از طریق تبادل نظر با سایر همکاران حفظ کنید.»



تکذیب و اکذاری
فرزندان شیر خوارگاه‌ها

سازمان بهزیستی کشور با تأکید بر اینکه خدمت‌رسانی در مراکز و شیرخوارگاه‌های این سازمان بدون هیچ وقفه‌ای در حال انجام است، به واگذاری فوری فرزندان به خانواده‌ها را تکذیب کرد. در پی انتشار خبری در فضای مجازی مبنی بر فراخوان نگهداری موقت نوزادان شیرخوارگاه آمنة، سازمان بهزیستی کشور ضمن تکذیب هرگونه فراخوان نیاز به واگذاری فوری فرزندان شیرخوارگاه‌ها اعلام کرد که وضعیت خدمت‌رسانی در شیرخوارگاه‌های استان تهران در وضعیت پایدار و بدون هیچ خللی در حال انجام است. در این اطلاعیه آمده است: «واگذاری فرزندان تحت هر عنوان فرزندخواندگی - اعم از فرزندخواندگی دائمی و موقت - در شیرخوارگاه‌ها با طی مراحل قانونی و از طریق ثبت‌نام در سامانه ملی فرزندخواندگی، طی مراحل بررسی صلاحیت‌های افراد متقاضی و با رأی مرجع قضایی انجام می‌گیرد.»